

حجاب

گمان نمی‌کنم از میان احکام شرعی، هیچکدام به اندازه حکم "حجاب" برای خانم‌ها، به خصوص دختران جوان سخت و ناپذیرفتنی و با تمایلات نفسانی آنها در تعارض باشد. بسیاری از بانوان این حکم را خلاف طبیعت زن و محدود و محبوس ساختن او می‌دانند و آن را زندانی تصور می‌کنند که باید از آن گریخت. آیا آفریدگار حکیم حکمی غیر عادلانه و تبعیض‌آمیز به زنان تحمیل کرده یا مصلحت و منفعتی موافق طبعشان در کار است که باید آن را شناخت؟

کلمه "حجاب" اصطلاحی عرفی است و در قرآن هرگز به معنای چادر، مقنعه، روسری و ... نیامده است. از مواردی که مشتقات این کلمه در قرآن به کار رفته است، مفهوم پرده، پوشیدگی و حریمی که مانع ورود غریبه می‌شود استنباط می‌گردد. کاربرد اخلاقی این کلمه در مورد زنان، اعتقاد به وجود حریم و مرز و محدوده‌ای در مناسبات فردی و اجتماعی با مردان است قید و بندی که قانون شریعت آن را مقرر می‌سازد.

از نظر طبیعی، انسان تنها موجودی است که به دلیل اختیار و آزادی خداداد و آگاهی به نیک و بد رفتار خود "احساس شرم" می‌کند و می‌کوشد اندام جنسی خود را، که در معرض سوء استفاده قرار می‌گیرد، بپوشاند. سوای انسان، موجودات دیگر، که به فرمان غریزه خطاناپذیر زندگی می‌کنند، هرگز "احساس شرم" و خجالت یا گناه نمی‌کنند.

قصه نمادین آدم و حوا در بهشت و اینکه برای نخستین بار اقدام به پوشاندن اندام جنسی خود بوسیله برگ‌های بهشت می‌کنند، دقیقاً پس از نافرمانی در خوردن از میوه ممنوعه و نخستین گام و تجربه اراده و اختیار در این موجود تازه پدید آمده، یعنی فصل جدائی نوع انسان از سایر حیوانات است. از آنجائی که آدم و حوا هر دو اقدام به پوشاندن خود کردند، معلوم می‌شود پوشش و حجاب زن و مرد (هر دو) اولین نشانه و علامت "اراده" و کنترل غریزه در برابر تحریکات خارج از سیستم، به عنوان اسلحه‌ای دفاعی است.

به این ترتیب مسئله پوشش و احساس شرم و گناه از نظر تاریخ و طبیعت، سابقه‌ای به درازای عمر نوع انسان در روی زمین دارد و چیزی نیست که توسط متولیان دینی در جوامع مذهبی ساخته پرداخته و تحمیل شده باشد. اختلافی که هست بر سر میزان و محدوده این پوشش است. یک طرف این طیف، بی‌بند و باری مطلق، کشف حجاب کامل و آزاد ساختن روابط زن و مرد، یعنی رها ساختن اسب سرکش هوا و هوس و غرائز

جنسی است، طرف دیگر، محدود و محبوس ساختن زن در کنج خانه و قطع همه روابط و مناسبات او با محیط و مردمان دیگر است

مسئله مهم پیدا کردن جایگاه معقول و مصلحت‌آمیز در راستای این طیف است که سرآغازش پوشاندن فقط اندام‌های اصلی جنسی، با پوششی مختصر به اندازه برگ درخت!! است، و انتهایش، در خمره بردن زن و خفه و خاموش کردن او!

آنچه از معارف قرآنی در فهم فلسفه و فواید این حکم می‌توان دریافت کرد بعضاً عبارتند از:

۱- حجاب امری دو طرفه برای زن و مرد است و در یک رابطه عرضه و تقاضا قرار دارد. بسیاری می‌پندارند زنان باید خود را بپوشانند و مردان نگاه خود را، در حالی که آیه ۳۱ سوره نور هر دو حکم را برای هر دو جنس مقرر داشته است.

۲- حریم قائل شدن برای زن به خاطر "امنیت" خودش در برابر بیماردلان هوسران و دزدان ناموس است و نقش نگه‌دارنده دارد نه بازدارنده و برده کننده. نگاه کنید:

احزاب ۵۹- ای پیامبر، به همسران و دختران خود و زنان مؤمن بگو: روسری‌های خویش را بر خود فرو پوشند که مناسب‌تر است، از آن جهت که (به متانت و وقار) شناخته شوند و مورد آزار (هرزگان) قرار نگیرند؛ و (در مورد کوتاهی‌های گذشته) خدا آمرزنده و مهربان است.

۳- حجاب (به معنای داشتن حریم در ارتباط با غیر محارم) برای حفظ خانواده به عنوان کانون پرورش نوباوگان و تحکیم روابط زن و شوهر است. وسیله‌ای است که از سردی و سستی مناسبات زناشویی می‌کاهد و همسران را به یکدیگر نیازمند و وابسته‌تر می‌کند. رخنه برداشتن این حریم، به تمایلات تنوع‌طلبانه و هوسباز آدمی راه ورود و میدانی می‌دهد که به فروپاشی خانواده‌ها می‌انجامد. همانطور که پیشگیری، همواره بهتر و ارزان‌تر از درمان است، پوشش اندام‌های تحریک‌کننده (زن و مرد) و فرو پوشاندن نگاه، در بهبود بخشیدن به بیماری‌های اخلاقی بسیار مؤثرتر است.

۴- بیشتر مردم از کلمه "حجاب"، چادر و مقنعه یا روسری را تصور می‌کنند، در حالی که نه این کلمه در قرآن به معنای چادر آمده است و نه پوشاندن ظاهری سر شرط‌کافی می‌باشد.

قلمرو حجاب در قرآن از نحوه سخن گفتن (۱) و نوع نگاه (۲) آغاز می‌شود که هیچکدام را چادر نمی‌پوشاند. بسیاری از مجادله‌ها بر محور موی سر است، در حالی که پوشاندن سرسینه و گردن، که صریحاً در قرآن توصیه شده (۳)، و احتراز از پوشیدن لباسهای تنگ و بدن‌نما، مهم‌تر است. قرآن پوشاندن هر آنچه را که "زینت" (زیبائی جلب کننده) محسوب می‌شود برای زنان پاکدامن ضروری دانسته است. اینکه آیا موی سر "زینت" محسوب می‌شود یا خیر، باید به وجدان بی طرف و عقل مستقل از تمایلات نفسانی مراجعه کرد.

اگر در قرآن صریحاً سخنی از موی سر در میان نیامده و یا پوشاندن آن مورد اختلاف است، به نظر می‌رسد علت وضعیت تاریخی بوده است. زیرا در زمان نزول قرآن، و امروز نیز، در محیط عربستان به دلیل شدت آفتاب و گرد و خاک هوا، زن و مرد سر خود را می‌پوشاندند و نیازی به ذکر این حکم نبوده است.

۵- تفاوت دیدگاه برخی جوامع غربی در نمایش و بهره‌برداری هر چه بیشتر از زیباییهای ظاهری زن و استفاده از آن در عرصه تبلیغات و فروش کالا یا عرضه آن در بازار هنر و هوا و هوس جوانان و ... با دیدگاه دینی که بر مراقبت و محافظت از زیبایی خداداد اصرار می‌ورزد، از تفاوت جهان‌بینی و انسان‌شناسی آنها ناشی می‌شود.

مسئله بر سر دنیاپرستی و پیروی از هوا و هوس و لذت‌های زودگذر از یکطرف، و مصلحت‌اندیشی بلند مدت فرد و جامعه و آخرت‌طلبی از طرف دیگر است. هرگز نمی‌توان کسی را، که سقف نگاهش در افق آرزوهای موقت دنیائی و لذات آن است، از خودنمائی باز داشت.

۶- آیات مربوط به رعایت حریم در مناسبات زن و مرد، عمدتاً در سوره‌های نور و احزاب در سال‌های ۱۸ تا ۲۳ رسالت در مدینه (نه مکه) نازل شده است (۴). یعنی در سالیان آخر رسالت پیامبر، به عنوان روبنا و تزئین بنائی که اساس و ارکان اصلی آن قبلاً ساخته شده است. این موقعیت زمانی مسئله بسیار مهمی را مطرح می‌کند که تا زیر بنا و شالوده فکری و فرهنگی جامعه ساخته نشود، نمی‌توان روبنائی را بر آن استوار کرد.

بحث بر سر اولویت‌ها و تقدم تأخرهای تربیتی در یک جامعه است. قرآن احکام مربوط به تحریم مسکرات، قمار، حجاب و امثالهم را موقعی مطرح می‌کند که زیربنای اعتقادی جامعه با معارف مربوط به توحید، قیامت و قصص انبیاء و اخلاقیات ساخته شده بود، آن هم عمدتاً از طریق ارائه الگو و نمونه، نه فرمان بخشنامه‌ای! در حالی که در جامعه پس از انقلاب خودمان، بیشتر حساسیت‌های متولیان، به جای فعالیت‌های فرهنگی و

ارشادی، متوجه حجاب و برخورد های خشن با بدحجابی و مظاهر فرهنگ غربی شد، تلاشی بی حاصل که تنها به ظواهر می پرداخت و از عکس العمل های باطنی غافل بود.

به قول مولوی در مثنوی معنوی:

نبرد عشق را جز عشق دیگر چرا یاری بجوئی زو نکوتر

هر گاه معلمان اخلاق یک جامعه نهال عشق زیباتری را در دل جوانان کاشتند، می توانند امیدوار به برومندی و باروری نسل نو گردند و خیالشان از خط و خال شاهدان دنیائی آسوده گردد.

عشق هائی کز پی رنگی بود،	عشق نبود عاقبت ننگی بود
ز آنکه عشق مردگان پاینده نیست،	ز آنکه مرده سوی ما آینده نیست
عشق آن زنده گزین کو باقی است،	کز شراب جان فزایت ساقی است
عشق آن بگزین که جمله انبیاء،	یافتند از عشق او کار و کیا
تو مگو ما را بدان شه راه نیست،	با کریمان کارها دشوار نیست

۷- برای بی حجابی هیچگونه کیفر و مجازاتی دنیائی در قرآن مقرر نشده است. اگر هم عملاً چنین مجازات هائی در برخی کشورهای اسلامی اجرا می شود، تشخیص فقیهان و مصلحت جوئی های بشری است، نه حکم و فرمان الهی. شاید بی کیفر گذاشتن آن در قرآن، به دلیل حاکمیت نظام عرضه و تقاضا در این امر و امکان خنثی کردن آن با بی اعتنائی و نگاه نکردن مردان باشد! به راستی چگونه می توان کسی را از عرضه آنچه خریدار فراوان دارد! باز داشت؟

اما بر خلاف آنچه معمول است، تهدید و تنبیه دنیائی قرآن، به جای زنان، متوجه مردان هرزه و مزاحمی است که متعرض بانوان می گردند. نگاه کنید به سوره احزاب آیه ۶۰:

"هر گاه منافقان و کسانی که در دلشان مرض است و شایعه پراکنان شهر از کار خویش دست بردارند، تو را بر دفع ایشان بر می انگیزیم، آن گاه جز مدت کوتاهی در همسایگی تو نپایند (از شهر اخراج خواهند شد). در حالی که نفرین شده بوده و هر جا یافت شوند دستگیر و نابود گردند."

۱- سوره احزاب آیه ۳۲

۲- سوره نور آیه ۳۰ و ۳۱

۳- سوره نور آیه ۳۱

۴- با استفاده از جدول شماره ۱۵ کتاب "سیر تحول قرآن" از مرحوم مهندس مهدی بازرگان